

نشانه هایی از شیعه واقعی

در سوم صفر (یا اول رجب) سال 57 هجری قمری، نوزادی در خاندان امام سجاد علیه السلام به دنیا آمد ...



در سوم صفر (یا اول رجب) سال 57 هجری قمری، نوزادی در خاندان امام سجاد علیه السلام به دنیا آمد که روشنی بخش آن خانه شد؛ کسی که پایه های علوم آل محمد صلی الله علیه و آله را در دل مشتاقان دانش اهل بیت علیهم السلام استوار ساخت. امام محمد باقر علیه السلام به عنوان امامی که هم از پدر و هم از مادر، به شجره پاک رسالت و امامت منتسب است، ویژگی خاصی دارد. آن حضرت از دامان گهربار

پدر معصوم خویش رشد و تعالی یافت و البته تا چهار سالگی، محضر جد بزرگوارش امام حسین علیه السلام را درک کرده و لطف و نوازش آن حضرت شامل حالش شده بود. ایشان از برترین نوع تربیت اسلامی، از حضور پدر، مادر، جد، عموها و دیگر خاندان امامت برخوردار شد و در فضایی آکنده از همه گونه زیبایی های معنوی این خاندان رشد کرد. امام باقر علیه السلام به مدت نزدیک به 38 سال در محضر پرفیض پدر به کمالات معنوی و الهی رسید و از آن پس و با شهادت پدر، مسئولیت امامت و ولایت را خود بر عهده گرفت.

هم زمانی پایان حکومت نکبت بار اموی با سال های امامت امام باقر علیه السلام، زمینه بیان علوم آل محمد صلی الله علیه و آله و برپایی نشست های درس و بحث را برای آن حضرت فراهم آورد و مردان بزرگی از محضر پرور ایشان کسب فیض کردند. این زمینه آماده، در زمان امامت فرزند برومندشان، امام صادق علیه السلام ادامه یافت و بیشترین احادیث اهل بیت علیهم السلام، در زمان این دو امام بزرگوار و در دوره جابه جای قدرت از امویان به عباسیان، صادر شده است.

با این حال، حاکم کینه توز اموی حضور پرنفوذ امام باقر علیه السلام را هیچ گاه تحمل نمی کرد تا آنکه به دستور هشام بن عبدالملک اموی، در هفتم ذی الحجه سال 114 هجری قمری، پس از نزدیک به بیست سال رهبری امت اسلامی، در 57 سالگی به شهادت رسید و در کنار پدر و عموی پدرش، اما درآمد

امام، هدایتگر اندیشه ها و کارها و اخلاق امت است. وظیفه شیعه نیز پیروی از امام در فکر و عمل و رفتار است. بنابراین، آن که شالوده اندیشه و عملش و خط سلوک رفتارش را با خط ائمه منطبق نسازد، شیعه نیست. قضاوت دیگران درباره شیعه نیز بیش از هر چیز بر مبنای رفتار اجتماعی و سلوک و معاشرت است.

بدین ترتیب، روشن است که امام، همواره در اندیشه تربیت و اصلاح و بازسازی مشی و عمل و اخلاق پیروان خود باشد؛ چرا که قوت و ضعف پیروان را به پای رهبران می نویسند و عیب و کمال هر جمع را به پیشوایشان منتسب می کنند.

امام باقر علیه السلام در شرایطی می زیست و امامت شیعه را بر عهده داشت که این حساسیت، بیشتر بود. به همین دلیل، حساسیت آن حضرت نیز در هدایت رفتاری پیروانش فزونی می یافت و به مناسبت های مختلف، رهنمود می داد، سفارش می کرد، نامه می نوشت، پند می داد و شیعه راستین را در بعد فکری و رفتاری در سلوک، معرفی می کرد. م حسن مجتبی علیه السلام در بقیع به خاک سپرده شد.

اهمیت و ضرورت شناخت فضیلت ها و صفت های شیعه

آگاهی از ویژگی ها و فضیلت های شیعه، هر دو برای شیعه شناسی لازم است. فضیلت های شیعه، در واقع، چرایی و چگونگی پیدایش مذهب شیعه، منشأ تشیع، درستی راه شیعه، رستگاری شیعیان و امتیازهای بنیاد سازمان و ساختار مذهب شیعه را نشان می دهد و آغاز و فرجام شیعه را آشکار می سازد. بر اساس همین احادیث معصومان علیهم السلام، مبدأ تشیع، بعثت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله است و پایان آن، بهشت و رضوان الهی. صفت های شیعه، برنامه زندگی برای شیعیان است. از این رو، احادیث اوصاف شیعه، راهبردی و کاربردی است و مسئولیت های شیعه بودن را آشکار می نماید.

فضیلت های شیعه در گفت و گوهای میان مذاهب اسلامی، راهنمای مسلمانان برای رسیدن به حقیقت مذهب شیعه است، ولی صفت های شیعه، راه خودسازی و منبع رشد و کمال فردی است. احادیث فضیلت های شیعه، پاسخ های الهی به پرسش های کلامی پیرامون مذهب شیعه است و احادیث صفت های شیعه، پاسخ هایی برای چه باید کرد و چگونه زیستن است.

امروزه جامعه شیعه بیش از فضیلت های شیعه، نیازمند صفت های شیعه است. شیعیان پس از آگاهی از بنیان گذاری مذهب شیعه به دست پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ایمان آوردن به درستی اساس مذهب شیعه، باید گفتار و رفتار شیعی را بشناسند و به آن آراسته شوند. امروزه باید برای مردم به زیبایی روشن شود که شیعه کیست و چه کسی لقب پرافتخار شیعه را می تواند به دست آورد.

ریشه عقب ماندگی و مشکلات جامعه شیعی، فراموشی صفت های شیعه است. آراستگی به صفت های شیعه، علت پیشرفت و عامل توسعه در جنبه های گوناگون زندگی است. با تبیین مسئولیت های شیعه بودن و مشخص شدن سیمای شیعه اهل بیت علیهم السلام و عملیاتی شدن صفت های شیعه و تحقق آن در زندگانی مردم، جامعه نمونه الهی پدیدار می شود. با رعایت صفت های شیعه، جامعه ای کوچک از نمونه جامعه بزرگ و جهانی و آرمان شهر و مدینه فاضله نمایانده خواهد شد.

شیعه در کلام باقرالعلوم

علیه السلام

هدف، بحث کلامی و اعتقادی نیست. مقصود، طرح ارزش های رفتاری و سلوکی است که امام باقر علیه السلام می خواهد پیروان راستین خود را به آنها بیاراید. آن که خود را به مکتب والای اهل بیت علیهم السلام منتسب می کند، باید سرآمد مردم و شاخص رفتار و کردار شیعی باشد. امام باقر علیه السلام در رهنمودهایی شیوا و صریح در این باره می فرماید:

جز کسانی که از خداوند پروا داشته باشند و مطیع فرمان اویند، شیعه ما نیستند. شیعیان ما شناخته نمی شوند؛ جز با تواضع و فروتنی و نرمش؛ جز با امانت داری و یاد فراوان خدا؛ جز با نماز و روزه و نیکی به پدر و مادر و رسیدگی به همسایگان فقیر و مردم بینوا؛ جز به فکر یتیمان و بدهکاران و گرفتاران بودن؛ جز با صدق و راستی در سخن و تلاوت قرآن و جز با حفظ زبان از بدگویی دیگران.⁴

باز هم سفارشی دیگر

امام باقر علیه السلام، برخی از یاران خاص خویش را به همراه پیامی، نزد گروهی از شیعیان فرستاد و دستور داد که پیام حضرت را این گونه به آنان برسانند:

به شیعیان ما از سوی ما سلام برسان و آنان را به تقوای خدای بزرگ سفارش کن و اینکه ثروتمندان و توانگرانشان به دیدار و عیادت تهی دستان بروند؛ تندرستانشان، بیمارانشان را عیادت کنند؛ زندگانشان در تشییع مردگان حاضر شوند؛ در خانه ها، به دیدار همدیگر بروند؛ چرا که این دیدارها و رفت و آمدهای خانگی سبب احیاء امر ما می شود. خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده می کند و به بهترین آن عمل می نماید. به آنان بگو: هرگز به ولایت ما نخواهد رسید، جز با ورع و کوشش. حسرت بارترین حالت در قیامت، از آن کسی است که کارهای نیک را برای مردم توصیف کند، ولی خودش، مخالف آن رفتار کند.²

رفتار شیعی

امام باقر علیه السلام در یکی دیگر از آموزه های هدایتگر خود، خطاب به پیروان خط اهل بیت علیهم السلام می فرماید:

ای گروه پیروان ما! وصیت های ما را بشنوید و فهم کنید و پیمان ما را با دوستانمان بشناسید؛ در گفتارتمان صادق باشید؛ به خاطر ایمانی که دارید، به دوستان و دشمنانتان نیکی کنید؛ با اموالتان به دیگران مواسات و برادری کنید؛ با دل هایتان به مردم محبت کنید؛ به فقیرانتان از نظر مالی برسید؛ در کارهایتان همدل و هماهنگ باشید؛ در هیچ کار خیانت آمیز و نیرنگ، بر ضد کسی وارد نشوید. پس از یقین، شک نکنید و بعد از اقدام، از روی ترس عقب ننشینید؛ هرگز به دوستان و هوادارانتان پشت نکنید؛ هرگز مودت و محبت خود را نسبت به بیگانگان قرار ندهید؛ کارتان جز برای خدا و تصمیم و عملتان جز برای پیامبران نباشد؛ از خدا یاری بخواهید و شکلیا باشید و مقاوم. خداوند، زمین خویش را به هر که بخواهد، به میراث می نهد و سرانجام، از آن پرواپیشگان است. سپس می افزاید:

از شیعیان کسی دوست خدا و رسول است که وقتی سخن می گوید، راست بگوید؛ هرگاه وعده می دهد، وفا کند؛ آن گاه که امانتی بپذیرد [و امین شمرده شود]، ادا کند؛ هرگاه که حق واجب را از او بخواهند، بپردازد و چون به حق فرمان می دهد، خودش هم عمل کند. شیعیان ما آنانند که عملشان بیش از شنوایی شان نمی شود. شیعیان ما آنانند که عیب جویان ما را نمی ستایند؛ با دشمنان ما پیوند برقرار نمی کنند و با خائنان به ما، نشست و برخاست ندارند. شیعه ما کسی است که وقتی به دیدار مؤمنی برود، احترام و اکرام می کند و اگر با نادان ملاقات کند، او را ترک می گوید. شیعیان ما آنانند که چاپلوسی و طمع سگان و کلاغان را ندارند و جز از برادران خود، از کسی درخواست نمی کنند؛ هرچند از گرسنگی بمیرند.

شیعیان ما آنانند که عقیده و ایده ما را داشته باشند و در راه ما حتی از دوستانشان علاقه ببرند و به خاطر محبت ما، بستگان دوران را نزدیک سازند و نزدیکان را دور کنند.

در این هنگام، یکی از اهل مجلس که از اوصاف شیعه مبهوت شده بود، پرسید: این گونه کسان کجا یافت می شوند؟

پاسخ امام چنین بود:

در گوشه و کنار زمین. اینانند که زندگی شان ساده و پایین و دیدگانشان روشن است. چنان [گمنام و ناشناخته] اند که وقتی در جمع حضور داشته باشند، شناخته نمی شوند و هرگاه غایب باشند، کسی سراغشان را نمی گیرد و اگر بیمار شوند، به عیادتشان نمی روند و اگر خواستگاری کنند، کسی به آنان زن نمی دهد. هرگاه جاهلان به آنان خطاب کنند، در پاسخ می گویند: سلام. شب هایشان نیز به نماز و سجود می گذرد.

امام همچنان صفت های شیعه را برمی شمرد و برخی از حاضران، شگفت زده و ناباورانه، گاهی به شیعیان معاصر آن حضرت طعنه می زدند که این صفات را دارا نیستند. حضرت در پاسخ می فرمود:

اینان با این اختلاف ها و خودخواهی هایشان آزموده می شوند و هلاکشان به دست خودشان است. شما مواظب باشید که دشمنی نکنید و کاری را پیش از رفتنشان انجام ندهید که خونتان ریخته شود و مایه سرزنش و عبرت آیندگان قرار گیرید.¹

امام در این گفتار، پیروان خود را به اخلاق کریمه فرا می خواند، هم پیروان راستین خویش را معرفی می کند، هم آنان را که در این صفات و زمینه ها، ضعف و سستی دارند، به نقطه ضعفشان آگاه می کند و هم معیار و ملاک می دهد که «؛شیعیان ما اینانند»

تا هر کس که این اوصاف را ندارد، از جرگه شیعه بیرون به شمار آید و ننگ و عارشان، دامن گیر خط درست امامت و هدایت نگردد.